

والدین، زیست رسانه ای فرزندان و تربیت در عصر تفاوت نسلی

فاطمه طهماسبی^۱ و زهرا خورشید وند^۲ و فریبا روزگاری^۳ و محبوبه شاپوری^۴

چکیده

در دهه‌های اخیر، گسترش فناوری‌های نوین و رسانه‌های دیجیتال، شیوه‌های تربیتی والدین را با چالش‌هایی تازه روبه‌رو کرده است. پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر تفاوت‌های نسلی و زیست رسانه‌ای فرزندان بر فرایند تربیت در خانواده انجام شده است. پرسش اصلی این است که چگونه تفاوت نسلی در نگرش و سبک استفاده از رسانه‌ها میان والدین و فرزندان، بر کیفیت ارتباط تربیتی آن‌ها اثر می‌گذارد؟

روش این تحقیق به صورت توصیفی-تحلیلی و مبتنی بر مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که شکاف نسلی ناشی از تغییرات فناورانه، باعث تفاوت در نظام ارزشی، سبک زندگی و شکل‌گیری گفتمان‌های متفاوت میان نسل‌ها شده است؛ به گونه‌ای که تعامل تربیتی میان والدین و فرزندان با موانعی روبه‌رو شده است. این شرایط می‌تواند موجب کاهش اقتدار والدین، افزایش وابستگی فرزندان به فضای مجازی، و سردرگمی در تربیت شود. نتایج پژوهش بر لزوم بازاندیشی در شیوه‌های تربیتی، ارتقاء سواد رسانه‌ای والدین، و توسعه ارتباط گفت‌وگومحور در خانواده تأکید دارد.

واژگان کلیدی: والدین، فرزندان، تفاوت نسلی، رسانه، تربیت، زیست رسانه‌ای

^۱. طلبه سطح ۲، حوزه علمیه الزهرا، استان تهران، شهرستان واران fatemeh1363tahmasebi@gmail.com .

ORCID:0009-0007-5454-9161

^۲. طلبه سطح ۲، حوزه علمیه الزهرا، استان تهران، شهرستان واران Zahra0910680kk@gmail.com .

^۳. طلبه سطح ۲، حوزه علمیه الزهرا، استان تهران، شهرستان واران fariba.roz.gar@gmail.com

^۴. طلبه سطح ۲، حوزه علمیه الزهرا، استان تهران، شهرستان واران mshappory@gmail.com

ORCID: 0009-0003-4798-8175

در عصر حاضر، رسانه‌ها به عنوان یکی از ارکان اصلی زندگی انسان، نقش مهمی در شکل‌دهی به افکار، رفتار و روابط اجتماعی ایفا می‌کنند. این تأثیرات در فضای خانواده، به‌ویژه در فرآیند تربیت فرزندان، نمود بارزی یافته است. باگسترش فناوری‌های نوین ارتباطی و شبکه‌های اجتماعی، زیست رسانه‌ای فرزندان به بخش جدایی‌ناپذیر از سبک زندگی آنان بدل شده است؛ مفهومی که به نحوه حضور و تعامل افراد، به‌ویژه نوجوانان و جوانان، در محیط‌های رسانه‌ای اشاره دارد. در چنین شرایطی، والدین با چالش‌های نوینی در تربیت فرزندان مواجه‌اند؛ چالش‌هایی که عمدتاً از شکاف نسلی و تفاوت در نگرش‌ها، ارزش‌ها و سبک‌های ارتباطی نشأت می‌گیرد.

تفاوت نسلی به معنای فاصله و اختلاف میان نسل‌ها در زمینه‌های فکری، فرهنگی، ارزشی و رفتاری است که اغلب ناشی از تحولات سریع فناورانه و اجتماعی می‌باشد. این پدیده می‌تواند منجر به سوءتفاهم، کاهش تعامل مؤثر و تضعیف نقش هدایت‌گری والدین شود. از سوی دیگر، تربیت به عنوان فرآیندی پویا و دوسویه، نیازمند تعامل، همدلی و فهم متقابل میان والدین و فرزندان است. اما حضور پررنگ رسانه‌ها و نبود زبان مشترک میان نسل‌ها، این فرآیند را دچار پیچیدگی‌هایی کرده است.

ضرورت پرداختن به این موضوع از آن‌جا ناشی می‌شود که خانواده به عنوان نخستین و مهم‌ترین نهاد تربیتی، در حال تجربه دگرگونی‌های عمیق در نقش‌ها، ساختارها و کارکردهای خود است. در مواجهه با زیست رسانه‌ای فرزندان، بسیاری از والدین با سردرگمی، ناتوانی در برقراری ارتباط مؤثر و کاهش اقتدار تربیتی روبه‌رو هستند. پژوهش‌های پیشین در این حوزه، از جمله مطالعاتی درباره تأثیر رسانه‌های دیجیتال بر روابط خانوادگی، نشان داده‌اند که آگاهی و سواد رسانه‌ای والدین می‌تواند نقش تعدیل‌گر مهمی در این فرایند ایفا کند. با این حال، اغلب این پژوهش‌ها یا بر جنبه‌های روان‌شناختی تمرکز داشته‌اند یا به‌صورت پراکنده به مسئله تفاوت نسلی پرداخته‌اند؛ بنابراین، خلأیی در پرداخت هم‌زمان به سه‌گانه والدین، رسانه و تفاوت نسلی وجود دارد.

هدف این پژوهش آن است که با رویکردی تحلیلی و مبتنی بر مرور ادبیات، به تبیین نقش رسانه‌ها و تفاوت‌های نسلی در کیفیت تربیت فرزندان بپردازد. این تحقیق می‌کوشد نشان دهد که چگونه شکاف‌های بین‌نسلی، در کنار

نفوذ گسترده رسانه‌ها، فرآیند تربیت را در خانواده‌ها تحت تأثیر قرار داده و چه سازوکارهایی می‌تواند به کاهش این شکاف کمک کند.

پرسش اصلی پژوهش چنین است:

- تفاوت‌های نسلی و زیست رسانه‌ای فرزندان، چگونه بر کیفیت تربیت و تعامل میان والدین و فرزندان تأثیر می‌گذارد؟

پرسش‌های فرعی:

- نقش رسانه‌های نوین در بازتعریف روابط تربیتی در خانواده چیست؟

- درک و برداشت والدین و فرزندان از تربیت و استفاده از رسانه‌ها تا چه حد با یکدیگر همسو است؟

- چه راهکارهایی برای کاهش شکاف نسلی در حوزه تربیت با رویکرد رسانه‌ای وجود دارد؟

فرضیه/پیش‌فرض:

به نظر می‌رسد که نبود سواد رسانه‌ای در والدین و تفاوت نگرشی در سبک زندگی رسانه‌ای، عامل مؤثری در تضعیف تعاملات تربیتی میان نسل‌هاست.

۲- مفاهیم

۱-۲- تربیت

- مفهوم تربیت از منظر لغوی و اصطلاحی

تربیت در لغت به معنای «رشد دادن»، «پروراندن» و «هدایت کردن» آمده است. در زبان عربی، ریشه آن از «رَبَّی» گرفته شده که اشاره به رشد تدریجی دارد. این واژه در فارسی نیز به معنای «پرورش» به کار می‌رود و مفهومی نزدیک به هدایت و اصلاح دارد. در این معنا، تربیت با رشد طبیعی متفاوت است زیرا شامل نوعی هدایت آگاهانه و هدفمند از سوی مربی می‌شود. (دهخدا، ۱۳۷۲)

- تربیت از منظر اسلامی

در اسلام، تربیت جایگاهی بنیادین دارد و هدف آن، رساندن انسان به کمال و قرب الهی است. از نگاه قرآن، تربیت یعنی فراهم کردن زمینه‌ای که استعدادهای بالقوه انسان شکوفا شود. همچنین در آموزه‌های اسلامی، تربیت هم‌زمان باید جنبه‌های جسمی، روانی و روحی انسان را دربر گیرد. به همین دلیل پیامبران را به‌عنوان مربیان بزرگ بشر معرفی کرده‌اند. (مطهری، ۱۳۸۷)

۲-۲- رسانه

به وسایل انتقال پیام‌ها از فرستنده یا فرستندگان به مخاطب یا مخاطبان گفته می‌شود که شامل روزنامه، کتاب، رادیو، تلویزیون، ماهواره، فن آوری‌های نوین ارتباطات و اطلاعات و اینترنت و... است. این وسایل دارای ویژگی‌هایی مانند پیام‌گیران ناآشنا، سرعت عمل زیاد و تکثیر پیام هستند. (دادگران، ۱۳۹۴)

• نقش رسانه در فرهنگ سازی

فراتر از انتقال اطلاعات، رسانه‌ها در بازنمایی هنجارها، ارزش‌ها و سبک‌های زندگی نقش محوری دارند. محتوای رسانه‌ای، به‌ویژه در فیلم‌ها، سریال‌ها و شبکه‌های اجتماعی، چارچوب‌های ذهنی مخاطبان را شکل داده و حتی بر ساخت هویت اجتماعی و فردی افراد تأثیرگذار است. این عملکرد رسانه‌ها نشان می‌دهد که آن‌ها بازیگران فرهنگی پرنفوذی هستند. (شکرخواه، ۱۳۹۳)

• رسانه‌های سنتی و نوین

با پیشرفت فناوری، شکل‌های جدیدی از رسانه پدید آمده‌اند که ویژگی‌هایی متفاوت از رسانه‌های سنتی دارند. رسانه‌های نوین مانند شبکه‌های اجتماعی، ماهیت تعاملی، سرعت بالا و گستره جهانی دارند، در حالی که رسانه‌های سنتی همچون رادیو و تلویزیون، بیشتر ارتباط یک‌سویه ایجاد می‌کردند. این تحول باعث تغییر نقش مخاطب از دریافت‌کننده منفعل به کاربر فعال شده است. در بسیاری از جوامع، رسانه‌ها نه تنها ابزار ارتباطی، بلکه بخشی از ساختار قدرت هستند. دولت‌ها، احزاب و حتی شرکت‌های بزرگ از رسانه برای تأثیرگذاری بر افکار عمومی، جهت‌دهی سیاسی و پیشبرد اهداف خاص خود استفاده می‌کنند. همین ویژگی، جایگاه رسانه را از نهاد صرفاً فرهنگی به ابزاری راهبردی در عرصه سیاست ارتقاء داده است. (حیدری، ۱۳۹۵)

۲-۳- تفاوت نسل‌ها

تفاوت نسل‌ها به اختلافات فکری، ارزشی، رفتاری و فرهنگی میان گروه‌هایی از افراد اشاره دارد که در دوره‌های زمانی متفاوتی رشد یافته‌اند. این تفاوت‌ها معمولاً در نتیجه تجربیات زیسته، ساختار اجتماعی، و شرایط فرهنگی خاص هر نسل شکل می‌گیرند. نسل‌ها درک متفاوتی از مفاهیم کلیدی مانند خانواده، آزادی، دین، و سبک زندگی دارند، زیرا در بسترهای گوناگون فرهنگی و تاریخی بزرگ شده‌اند. (توسلی، ۱۳۸۳)

• عوامل اجتماعی مؤثر در ایجاد شکاف نسلی

تحولات سریع در فناوری، آموزش، رسانه و سبک زندگی، بستر پیدایش شکاف نسلی را فراهم کرده‌اند. در جامعه‌ای که تغییرات اجتماعی با سرعت زیادی رخ می‌دهد، نسل جدید نگرش‌ها و شیوه‌های متفاوتی برای مواجهه با واقعیت‌ها اتخاذ می‌کند. این اختلاف نگرش با نسل پیشین که در فضایی با ثبات‌تر رشد یافته، موجب شکل‌گیری فاصله ذهنی و روانی می‌شود. (آزادارمکی، ۱۳۹۰)

• نقش فناوری و رسانه در تعمیق تفاوت نسل‌ها

یکی از مهم‌ترین دلایل تشدید تفاوت‌های نسلی، ظهور فناوری‌های نوین ارتباطی و رسانه‌های دیجیتال است. نسل‌های جوان امروزی با زبان دیجیتال، سرعت اطلاعات و فضای مجازی انس گرفته‌اند، در حالی که نسل‌های قدیمی‌تر با شیوه‌های سنتی‌تر ارتباط خو گرفته‌اند. این تفاوت در ابزار و شیوه ارتباط باعث نوعی گسست در تعامل میان نسل‌ها می‌شود. (ساروخانی، ۱۳۸۱)

۳- ارتباط تفاوت نسل و تربیت فرزندان

با پیشرفت سریع فناوری و تغییرات فرهنگی، شکاف بین نسل‌ها هر روز عمیق‌تر می‌شود. والدین که غالباً با دیدگاه‌ها و ارزش‌های متعلق به نسل گذشته رشد یافته‌اند، در تربیت فرزندانی که در عصر دیجیتال بزرگ می‌شوند با چالش‌های متعددی مواجه هستند. این تفاوت‌های نسلی ممکن است در شیوه‌های ارتباطی، انتظارات از نقش‌های خانوادگی و حتی ارزش‌های بنیادی نمود پیدا کند. چنین اختلافاتی گاه باعث کاهش درک متقابل بین والدین و فرزندان می‌شود و زمینه‌ساز تنش‌های تربیتی خواهد بود. (صادقی، ۱۳۹۷، ۷۵)

۳-۱- تأثیرات سن والدین

یکی از مهم‌ترین و در عین حال کم‌توجه‌ترین عرصه‌های تربیتی در عصر رسانه، نقش رسانه‌های سرگرمی در شکل‌گیری تربیت غیررسمی فرزندان است. امروزه کودکان و نوجوانان زمان زیادی را صرف تماشای انیمیشن‌ها، سریال‌ها، فیلم‌ها، بازی‌های رایانه‌ای و محتوای شبکه‌های اجتماعی می‌کنند. این تجربه‌های سرگرم‌کننده، هرچند ظاهراً بدون هدف آموزشی هستند، اما در عمل بسیاری از پیام‌های تربیتی و ارزشی را منتقل می‌کنند (زارعی و حق‌شناس، ۱۳۹۸).

تربیت غیررسمی به فرآیندی گفته می‌شود که خارج از ساختارهای آموزشی رسمی (مانند مدرسه یا خانواده) اتفاق می‌افتد و اغلب در محیط‌های روزمره و تعاملی، همچون بازی، تفریح، یا شبکه‌های اجتماعی شکل می‌گیرد. رسانه‌های سرگرمی، به‌ویژه آن‌هایی که مخاطب کودک و نوجوان دارند، نقش بسیار مهمی در نهادینه‌سازی ارزش‌ها، نگرش‌ها و حتی سبک زندگی ایفا می‌کنند (مهدوی و حسینی، ۱۳۹۶).

برای مثال، یک انیمیشن پرتطرفدار می‌تواند مفهوم قهرمان بودن، شجاعت، خشونت، حل مسئله یا حتی روابط خانوادگی را به‌شکلی ناخودآگاه در ذهن کودک نهادینه کند. یا یک بازی رایانه‌ای ممکن است مدل‌های خاصی از قدرت، رقابت یا موفقیت را آموزش دهد. نکته قابل توجه آن است که در اغلب موارد، این پیام‌ها به‌صورت غیرمستقیم و بدون آگاهی کودک و والدین منتقل می‌شوند (امینی و خادمی، ۱۴۰۰).

از سوی دیگر، محتوای برخی از رسانه‌های سرگرمی ممکن است با فرهنگ بومی و دینی جامعه در تعارض باشد. تکرار چنین پیام‌هایی می‌تواند باعث تضعیف بنیان‌های تربیتی خانواده شود. با این حال، اگر والدین و مربیان رویکردی فعالانه داشته باشند و از این رسانه‌ها به‌عنوان ابزار تربیتی مکمل بهره بگیرند، می‌توانند مفاهیم اخلاقی، اجتماعی و فرهنگی را به شکل جذاب‌تری به فرزندان منتقل کنند.

در نهایت، شناخت رسانه‌های سرگرمی و تحلیل محتوای آن‌ها، ضرورتی انکارناپذیر در فرآیند تربیت غیررسمی نسل جدید است.

۹- نقش الگوسازی رسانه‌ای در شکل‌گیری ارزش‌های نسلی

در دنیای معاصر، رسانه‌ها به‌ویژه در فضای مجازی، نقش مهمی در الگوسازی برای مخاطبان جوان ایفا می‌کنند. الگوسازی رسانه‌ای فرایندی است که طی آن افراد، به‌ویژه کودکان و نوجوانان، ویژگی‌های رفتاری، گفتاری، پوششی و فکری شخصیت‌های رسانه‌ای را مشاهده کرده، ارزیابی نموده و در نهایت از آن‌ها الگوبرداری می‌کنند. این فرآیند

ممکن است آگاهانه یا ناآگاهانه صورت گیرد، اما در هر دو صورت تأثیرات پایداری بر شکل‌گیری ارزش‌ها و نگرش‌های نسلی دارد (حسینی و جعفری، ۱۳۹۶).

شخصیت‌هایی که در رسانه‌ها بازنمایی می‌شوند، مانند سلبریتی‌ها، اینفلوئنسرهای شبکه‌های اجتماعی، شخصیت‌های کارتونی و کاراکترهای سریال‌ها و فیلم‌ها، برای نوجوانان به‌عنوان الگوهای جذاب و قابل تقلید عمل می‌کنند. این افراد نه تنها ارزش‌هایی چون آزادی، موفقیت فردی، سبک زندگی لوکس، خودابرازی و استقلال را تبلیغ می‌کنند، بلکه با زبان بدن، نوع ارتباط و حتی علایقشان، الگوهایی از «شیوه زندگی مطلوب» ارائه می‌دهند. نسل جدید، به دلیل قرارگیری مستمر در معرض این مدل‌ها، ممکن است ارزش‌های سنتی مانند خانواده‌محوری، قناعت، احترام سلسله‌مراتبی و جمع‌گرایی را کنار بگذارد یا کم‌اهمیت تلقی کند (کریمی، ۱۳۹۸).

از سوی دیگر، الگوسازی رسانه‌ای تنها به ویژگی‌های فردی محدود نمی‌شود، بلکه در سطح کلان‌تر، نگاه مخاطب به مسائلی چون جنسیت، موفقیت، روابط اجتماعی و حتی نقش والدین را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. به‌عنوان مثال، در بسیاری از محتواهای فضای مجازی، والدین اغلب به‌صورت شخصیت‌هایی غیرقابل درک یا سنتی بازنمایی می‌شوند و نوجوان موفق، کسی است که با استقلال از خانواده، مسیر خود را می‌سازد. این نوع بازنمایی، شکاف میان نسل‌ها را افزایش داده و زمینه‌ساز تضادهای تربیتی می‌شود (حسینی و جعفری، ۱۳۹۶).

مسئله مهم این است که بسیاری از والدین در تحلیل این الگوها و تأثیرات آن‌ها دچار ضعف هستند. نبود آموزش کافی در حوزه سواد رسانه‌ای باعث می‌شود والدین تنها به برخوردهای محدودکننده و گاه خشونت‌آمیز روی آورند، درحالی‌که یکی از راهکارهای مؤثر، ورود فعال والدین به گفت‌وگوی رسانه‌ای با فرزندان است. این گفت‌وگوها نه تنها موجب شناخت نگرش‌های فرزندان می‌شود، بلکه به خانواده اجازه می‌دهد به بازتعریف ارزش‌ها در بستری همدلانه بپردازد (قاسمی، ۱۳۹۹).

در نهایت، الگوسازی رسانه‌ای، به‌ویژه در بستر شبکه‌های اجتماعی، بخشی از واقعیت زندگی نوجوانان امروز است. حذف آن ممکن نیست، اما می‌توان با آگاهی بخشی به والدین، آموزش سواد رسانه‌ای، و ترویج الگوهای بومی و متعادل در رسانه، آن را به فرصتی برای پرورش ارزشی تبدیل کرد نه تهدیدی برای آن.

۹- نتیجه گیری

تفاوت میان نسلها بر کسی پوشیده نیست؛ اما موضوعی که آدمی را به کنکاش و می دارد مسائلی است که در خلال این موضوع زمینه ساز بسیاری از مشکلات در اجتماع و نهاد خانواده خواهد شد باورها و اعتقاداتی که در یک نسل پذیرفته شده و در نسلی دیگر سطحی انگاشته می شود؛ اما درک یکدیگر چاره ساز خواهد شد.

در عصر حاضر، با گسترش فناوری های دیجیتال و رسانه های اجتماعی، نسل های مختلف با چالش های جدیدی در زمینه ارتباطات و تربیت فرزندان مواجه شده اند. والدین و فرزندان در دنیای دیجیتال به طور فزاینده ای از یکدیگر فاصله می گیرند و این شکاف نسلی می تواند تأثیرات عمیقی بر روابط خانوادگی و تربیت نسل جدید داشته باشد.

پژوهش ها نشان می دهد که هرچه والدین در مصرف رسانه ای فرزندان کمتر مشارکت کنند، پدیده های «شکاف نسلی» بیشتر بروز می کند. همچنین، استفاده بیش از حد از فضای مجازی می تواند منجر به کاهش زمان مشترک بین والدین و فرزندان و در نتیجه کاهش سطح تعامل میان آنها گردد. این کاهش تعامل می تواند به سردی روابط عاطفی و افزایش درگیری های نسلی منجر شود.

برای مقابله با این چالش ها، ارتقای سواد رسانه ای والدین ضروری است. سواد رسانه ای به والدین کمک می کند تا با آگاهی از تأثیرات رسانه ها، بتوانند نقش مؤثری در هدایت فرزندان خود ایفا کنند و از آسیب های فضای مجازی جلوگیری نمایند. این امر می تواند به کاهش شکاف نسلی و تقویت روابط خانوادگی منجر شود.

از طرفی والدین همواره مسئول و نگران فرزندانشان بوده و هستند؛ اما مسئولیت ما در قبال کودکان نسل امروز چند برابر است زیرا هرگز در طول تاریخ این گونه نبوده که افراد همواره در معرض تهاجم سمعی و بصری بوده باشند. از الزامات تربیت فرزند در این عصر برای ما آن است که بتوانیم خودمان همگام با تغییرات فناوری رسانه ای پیش رویم و همواره دانش و اطلاعات به روزی در این زمینه داشته باشیم. اگر فرزند ما بداند ما بیش از او در عرصه رسانه ای به روز هستیم و از تغییرات اطلاع داریم، ما را همواره مرجع خود خواهد دانست.

در نهایت، برای تربیت نسل آینده در دنیای دیجیتال، نیازمند همکاری و تعامل مؤثر میان خانواده، مدرسه و رسانه ها هستیم. با ایجاد فضایی مشترک و همدلانه، می توانیم از ظرفیت های مثبت رسانه ها بهره برداری کرده و از آسیب های آن جلوگیری کنیم.

۱۰- منابع و مآخذ

۱. احمدی، ر. (۱۴۰۱). خانواده و مدیریت شکاف نسلی. تهران: انتشارات علم و فرهنگ.
۲. امینی، م. و خادمی، ن. (۱۴۰۰). بازنمایی مفاهیم تربیتی در بازی‌های دیجیتال و تأثیر آن بر نوجوانان. فصلنامه فرهنگ رسانه، ۵(۳)، ۸۸-۱۰۵.
۳. بابایی، ن. (۱۳۹۹). راهنمای تربیت فرزندان در عصر دیجیتال. تهران: مؤسسه نشر رشد.
۴. دادگران، م. (۱۳۹۴). مبانی ارتباط جمعی. تهران: نشر مروارید و فیروزه.
۵. دهخدا، ع. (۱۳۷۲). لغت‌نامه دهخدا. تهران: دانشگاه تهران.
۶. زارعی، ل. و حق‌شناس، س. (۱۳۹۸). بررسی تأثیر انیمیشن‌های کودکانه بر یادگیری اجتماعی کودکان. فصلنامه مطالعات رسانه و تربیت، ۳(۲)، ۵۹-۷۴.
۷. حسینی، م. و جعفری، ا. (۱۳۹۶). تأثیر همسالان در شکل‌گیری هویت رسانه‌ای نوجوانان. فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی فرهنگی، ۵(۲)، ۷۵-۹۲.
۸. حیدری، م. (۱۳۹۵). رسانه و قدرت. تهران: مؤسسه همشهری.
۹. خدابنده‌بایگی، ع. و خدابنده‌بایگی، س. (۱۴۰۱). بررسی تأثیر تفاوت نسل‌ها و تربیت در تطابق و تقابل ارزش‌های حق امنیت، حق حیات و حق مالکیت. هشتمین همایش ملی مطالعات و تحقیقات نوین در علوم تربیتی، روان‌شناسی و مشاوره ایران. تهران.
۱۰. شجاعی، م. (۱۳۹۸). رسانه‌های دیجیتال و تأثیر آن‌ها بر رشد اجتماعی کودکان. تهران: نشر روان‌شناسی.
۱۱. شریعتی، ف. (۱۳۹۷). نقش ارتباطات خانوادگی در کاهش شکاف نسلی. مجله روان‌شناسی کاربردی، ۶(۳)، ۲۱-۳۸.
۱۲. شریفی درآمدی، م. و توکلی، ف. (۱۳۹۷). نقش دوستان و همسالان در تربیت رسانه‌ای نسل نوجوان. پژوهشنامه تعلیم و تربیت رسانه‌ای، ۲(۳)، ۴۳-۶۱.
۱۳. شریفی، م. (۱۳۹۷). رویکردهای نوین در فرزندپروری با تأکید بر تفاوت‌های نسلی. تهران: نشر دانا.
۱۴. شکرخواه، ی. (۱۳۹۳). مبانی ارتباطات جمعی. تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.
۱۵. صادقی، ح. (۱۳۹۷). رسانه‌های اجتماعی و اثرات آن بر روابط اجتماعی نوجوانان. تهران: کتابخانه اجتماعی.

۱۶. صادقی، ن. (۱۳۹۸). شکاف نسلی و تأثیر آن بر ارتباط والدین و فرزندان. فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی، ۳۰(۲)، ۷۵-۹۰.
۱۷. قاسمی، م. (۱۳۹۹). نظارت والدین و مصرف رسانه‌ای فرزندان. تهران: انتشارات رشد.
۱۸. کریمی، ز. (۱۳۹۹). آموزش والدین و سازگاری با نسل نو. مجله تعلیم و تربیت تطبیقی، ۹(۳)، ۶۰-۷۵.
۱۹. کریمی، س. (۱۳۹۸). رسانه‌های تربیتی و نقش آن‌ها در کاهش شکاف نسلی. فصلنامه تعلیم و تربیت رسانه‌ای، ۴(۱)، ۵۲-۶۹.
۲۰. مهدوی، ا. و حسنی، ع. (۱۳۹۶). تربیت غیررسمی و نقش رسانه‌های نوین در جامعه‌پذیری کودکان. پژوهش‌نامه تعلیم و تربیت تطبیقی، ۷(۱)، ۳۱-۵۲.
۲۱. محسنی، ف. (۱۴۰۰). نقش فناوری در بروز تفاوت‌های نسلی و پیامدهای تربیتی آن. مجله پژوهش‌های نوین تعلیم و تربیت، ۱۲(۴)، ۱۱۲-۱۳۰.
۲۲. مطهری، م. (۱۳۸۷). تعلیم و تربیت در اسلام. تهران: صدرا.
۲۳. منصورنژاد، م. (۱۳۸۲). شکاف و گفت‌وگوی نسل‌ها با تأکید بر ایران. تهران: پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.
۲۴. موسوی، م. (۱۳۹۶). تأثیرات مثبت رسانه‌ها در آموزش و تربیت کودکان. مجله فرهنگی-آموزشی، ۱۶(۲)، ۴۵-۵۸.
۲۵. موسوی، م. (۱۴۰۱). نقش مشارکت نوجوانان در مدیریت خانواده و پیامدهای تربیتی آن. مجله خانواده‌پژوهی، ۱۰(۲)، ۸۵-۹۸.
۲۶. نادری، ا. (۱۳۹۸). نقش هویت فرهنگی مشترک در کاهش شکاف بین نسل‌ها. فصلنامه فرهنگ و جامعه، ۱۵(۲)، ۱۱۰-۱۲۳.
۲۷. نوروزی، س. و سهرابی، ل. (۱۳۹۴). بررسی مقایسه‌ای نقش خانواده و گروه همسالان در رفتار رسانه‌ای دانش‌آموزان. مجله جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، ۹(۱)، ۱۲۱-۱۴۰.
۲۸. نوری‌زاده، ف. (۱۴۰۱). تدوین الگوی مفهومی زیست‌جهان مجازی کودکان و نوجوانان در رسانه. فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات.